

## تغییر لغات و قانون تأسیس فرهنگستان ایران (۱۳۱۳-۱۳۲۰ ه.ش)

محمد حسن پور مستوفی

□ مقدمه: در این مقاله برآنیم که تاریخچه‌ای از مقدمات و انگیزه تشکیل فرهنگستان ایران را در دوره رضاشاه برشماریم و از قانون تأسیس، چگونگی مصوبات، نوع فعالیت کمیسیونهای هشتگانه و کاربرد اصطلاحی واژه‌های مصوب این انجمن فرهنگی تاریخ معاصر ایران، آگاهی یابیم و با این اندیشه که فرهنگستان جایگزینی و پیرایش لغات، زبان و ادبیات فارسی را از واژگان بیگانه سرلوحه کار خود قرار داده بود، بی آنکه نظری بر صحت و سقم این معادل‌سازی داشته باشیم به معرفی و بررسی اسناد تاریخی - فرهنگی و ادبی فرهنگستان می‌پردازیم، و با استعانت از این اسناد تاریخی، می‌توانیم پایه و اساس، مرحله آغازین و روند این حرکت تاریخی و فرهنگی ایران را که از جهاتی، بسیار حائز اهمیت است، دریابیم.

فکر ایجاد دگرگونی در زبان فارسی، نزدیک به یک قرن پیش در میان اندیشمندان ما پیدا شده است. کسانی که تغییر خط را پیشنهاد می‌کردند؛ در واقع در پی ایجاد دگرگونی در زبان بودند. خوشبختانه پیشنهاد آنان مقبول نیفتاد، چه، مشکل اصلی زبان فارسی مشکل خط نبود و با تغییر خط نه تنها مشکلی حل نمی‌شد بلکه مشکلات فرهنگی بزرگی پدید می‌آمد. در حقیقت آن تحرک سالم و ثمربخشی که لازمه زبان فارسی است، باید در گزینش معادل‌های

خودی برای واژه‌های فرنگی، پدید آید. این نیاز، بویژه از هفتاد هشتاد سال پیش احساس شده و برای پاسخگویی به آن بوده است که فرهنگستان ایران بیش از پنجاه سال پیش تأسیس شد.<sup>۱</sup>

سالها پیش از تأسیس فرهنگستان ایران، اندیشه تشکیل انجمنی مرکب از دانشمندان و ارباب فضل و اطلاع، بر خاطرهای می‌گذشت و مخصوصاً از هنگامیکه ملت ایران با تمدن مغرب‌زمین، کمابیش آشنا شد، به اهمیت وظایف و خدمات مجامع علمی و ادبی بیگانه پی برد و این فکر در اذهان قوت گرفت. اشارات و اقوالی هم که در کتب و تاریخهای قدیم از وجود چنین مجامعی به اشکال و عناوین مختلف در ایران کهنسال و در طی قرون متوالی حکایت می‌کرد، آتش شوق ایرانیان را به ایجاد نظایر آنها دامن می‌زد، چنانکه در دوره مشروطیت، در تهران و شهرستانها بارها گروههایی از مردم دانشمند و هنردوست گرد هم آمده، به تأسیس انجمن‌هایی که در آنها سخن از علم و ادب می‌رفت، همت گماشتند و در این میان از جانب مقامات دولتی، اقدامی رسمی در این خصوص به عمل نمی‌آمد و بغیر از کوششهای افراد و یا مجامع خصوصی قدیمی دیگر در این راه برداشته نمی‌شد. در سال ۱۳۱۳ ه.ش. - قریب پنج ماه قبل از - تأسیس فرهنگستان ایران، وزارت معارف درصدد برآمد

که انجمن‌هایی مرکب از ارباب تخصص و اطلاع، در هر فن فراهم بیاورد و برآن شد که این کار را با تشکیل «آکادمی طبّی» آغاز کند. برای مطالعه در این امر، جلساتی با حضور تنی چند از پزشکان معروف و برخی دانشمندان در دانشکده طبّ تشکیل یافت و نام «فرهنگستان» بعنوان - معادل «آکادمی»<sup>۲</sup> در یکی از آن جلسات اختیار شد.

**دکتر عیسی صدیق، می نویسد:**  
**مقدمات تشکیل فرهنگستان به سالهای پیش تر یعنی به سال ۱۳۰۳ خورشیدی بازمی‌گردد؛ در این سالها بود که در سازمان نظام ایران تجدید نظر می‌شد و به اقتباس از تشکیلات غرب، مؤسساتی برپا می‌گشت.**

اساسنامه‌ای هم برای فرهنگستان طبّی نگارش یافت. با مختصر توجهی به وظایف مندرج در اساسنامه، معلوم می‌گردد که منظور از ایجاد فرهنگستان طبّی و نظایر آن برای دیگر رشته‌ها، صرفاً وظیفه آنها وضع لغات و اصطلاحات جدید نبود بلکه ترجمه و تألیف کتب و تهیه فرهنگها و جمع‌آوری لغات و اصطلاحات موجود و تشویق به تحقیقات علمی و ادبی در شاخه‌های گوناگون علوم و فنون مورد توجه خاص قرار گرفته بود. ولی در همان برهه، از آن پیش که این نیت به موقع اجراء گذاشته شود و اساسنامه فرهنگستان طبّی از مقام شور به مرحله تصویب و اجرا درآید، به یکباره در زمستان ۱۳۱۳ ه.ش.، اندیشه‌هایی تند در اصلاح زبان و لغت و طرز نگارش فارسی، به وجود آمد و علل و اسباب متعدّد، موجب ایجاد اضطراب و تشویش خاصی در اوضاع ادبی و لغوی ایران، گردید.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب زمره‌هایی که ابتدا در بعضی از محافل و لحظه به لحظه به گوش می‌رسید، در

مدتی کوتاه به مطبوعات و سپس به ادارات و بنگاههای دولتی سرایت کرد و کم‌کم این تفتّن شکل جدی به خود گرفت. تفصیل این اجمال آنکه، این فکر در وزارت جنگ، ذهن رضاشاه را به این معنی متوجّه ساخت، خاصه که در پایان سال نیز با مسافرت به ترکیه و اقدامات ترکها در تصفیه زبان، آشنا شده بود. لذا دستور اکید صادر گردید که فوری در وزارت جنگ هیأتی برای انتخاب معادل، جهت لغات نظامی بیگانه و نیز برای مطالعه، در باب سایر اصطلاحات، تشکیل شود و با همکاری دیگر وزارتخانه‌ها این مهم انجام گیرد. قبل از تشکیل آن هیأت نیز شمار معتابیهی از لغات نظامی، گویا به پیشنهاد «ارکان حرب کلّ قشون» وقت و یا پس از مشورت با تنی چند از طرفداران وضع لغات جدید به رضاشاه ارائه و در مکاتبات رسمی معمول شده بود. از آن جمله: کلمه «افسر» بجای «صاحب منصب» و «ارتش» بجای «قشون» و «تیمسار» بجای «حضرت اجل» (در عناوین نظامی) که بعدها صحت آنها نیز مورد تردید واقع گردید و جمعی به خیال اینکه این لغات از مصوّبات فرهنگستان است، این بنگاه را مورد ملامت قرار دادند.

کمیسیون وزارت جنگ بی‌درنگ شروع به کار کرد. از وزارت معارف و سایر وزارتخانه‌ها نمایندگانی دعوت و با روش افراط‌آمیزی کوشش نمود که نه تنها برای لغات نظامی بلکه برای دیگر اصطلاحات و لغات نیز با شتاب تمام معادلهایی انتخاب کرده، بوسیله مقامات نظامی، آنها را از تصویب مقام سلطنت بگذرانند و بسرعت در ادارات و جراید منتشر و رایج سازد.

با این مقدمات، وزارت معارف ناگزیر شد پیش از آنکه گزارش مذاکرات کمیسیون با تعبیرات ناروا به اطلاع رضاشاه برسد و اقدامات متهورانه و تفتّن‌آمیز، ارکان زبان فارسی را دچار تزلزل کند، به اقداماتی جدی مبادرت ورزد و چاره کار را آن دانستند که محمدعلی فروغی

(رئیس‌الوزرا) را واقف نمایند. وی همین که از کیفیت کار آگاه شد؛ جمله‌ای بر زبان آورد و عجب باد سفاهتی می‌وزد و کمترین مسامحه و ملاحظه را در این کار جایز نشمرد؛ به فاصله چند ساعت بعد از ختم جلسه کمیسیون وزارت جنگ، پس از مذاکراتی با رضاشاه، در تأیید نظر وزارت معارف، پیشنهاد کرد که برای مطالعه در این امور انجمنی مرکب از دانشمندان، اهل لغت و محققان تشکیل شود تا مقدمات تأسیس فرهنگستان ایران را فراهم آورد.

پس از اقدام مذکور، نامه‌ای که در اواخر اسفند ۱۳۱۳ ه.ش. در وزارت معارف تهیه شده بود، بشکل متحدالمال (بخشنامه) در اوائل سال ۱۳۱۴ ه.ش. به تمام وزارتخانه‌ها فرستاده شد.

**متحدالمال وزارت معارف، اداره کلّ انطباعات، شماره ۷۵۶۲/۳۷۰.**

**وزارت جلیله...**

«البته خاطر محترم مستحضر است که از چندی پیش نهضتی به منظور استعمال لغات فارسی بجای لغات خارجی خاصه لغات عربی پدید آمده و آثار این نهضت ابتدا در بعضی جراید و رسالات ظاهر و در این اواخر در برخی از مؤسسات دولتی نیز آشکار گردیده است. چون موضوع زبان هر ملت یکی از مسائل مهمه اجتماعی است و اقدام به اصلاح یا اجرای تغییرات و تبدیلات در آن محتاج به مطالعه و مباحثه و تعمق خاصی می‌باشد، وزارت معارف در نظر دارد که بزودی انجمن مخصوصی مرکب از دانشمندان و لغویون و ادبا و محققین تأسیس نموده این قبیل مسائل را در آن، مورد بحث و مطالعه قرار دهد. بنابراین متمنی است دستور اکید بعده ادارات و دوایر تابعه صادر فرمایند که تا موقع تشکیل آن انجمن، از وضع و استعمال هرگونه لغت جدید یا تبدیل لغات معمول به لغات فارسی خالص در مراسلات و اسناد رسمی اداری خودداری نمایند تا پس از

تأسیس این انجمن پیشنهادهای مربوط بدین امر مورد مطالعه قرار گیرد و تدابیر مقتضیه اتخاذ گردد.

محمدعلی فروغی نیز نتیجه اقدامات خود را در ضمن نامه‌ای که ذیلاً درج می‌شود به وزارت معارف ابلاغ کرد:

ریاست وزرا، نمره ۵۸۴، به تاریخ ۲۸ فروردین ماه ۱۳۱۴ (۵. ش.)  
وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

چنانکه مستحضرید برای بعضی از علاقه‌مندان به ترقی زبان فارسی این فکر پیش آمده است که برای معانی که امروز الفاظ فارسی به جهت آنها وجود ندارد یا استعمال نمی‌شود، اصطلاحات وضع کنند ولیکن غالباً دیده می‌شود، کارهایی که در این باب می‌کنند بی‌رویه و از روی مبنای صحیح و ذوق سلیم نیست و این فقره مورد توجه ذات مقدس اعلیحضرت شهبازی ارواحفاده نیز شد و به این جانب امر فرموده‌اند مراقبت کنم که فکر پخته معقولی بشود که این منظور مهم که اساساً بسیار خوب و بجاست از رویه صحیح منحرف نشود و نظر به اینکه اصلاً این مسأله از اموری است که در صلاحیت وزارت معارف است و ملاحظه کرده‌ام که اولیای آن وزارت جلیله متوجه بوده و علاقه‌مندی خود را به این موضوع نشان داده‌اند. اینکه تأکیداً امر مبارک ملوکانه را هم ابلاغ و تقاضا می‌کنم که هرچه زودتر اقدامی را که برای حسن انجام این منظور مقتضی است با مطالعه صحیح بفرمایید. خود این جانب هم برای تبادل نظر و شرکت در کار حاضرم و منتظر اعلام نتیجه می‌باشم.<sup>۲</sup>

رییس الوزرا - محمدعلی فروغی

دکتر عیسی صدیق، می‌نویسد: مقدمات تشکیل فرهنگستان به سالهای پیش‌تر یعنی به سال ۱۳۰۳ خورشیدی بازمی‌گردد؛ در این سالها بود که در سازمان نظام ایران تجدیدنظر می‌شد و

به اقتباس از تشکیلات غرب، مؤسساتی برپا می‌گشت. نیازمندی به اصطلاحات نو ظاهر شد و وزارت جنگ با وزارت فرهنگ مذاکره و مکاتبه کرد و قرار شد، انجمنی از نمایندگان در وزارتخانه تشکیل شود تا به وضع لغات و تثبیت معانی آنها به فارسی اقدام کنند.

یحیی دولت‌آبادی و غلامحسین رهنما و این جانب از وزارت فرهنگ معین شدیم. اعضای دیگر: سرلشکر جلایر - سرلشکر غفاری - سرهنگ مهندس رضا شیبانی - سرهنگ کریم معاون نظام - رشید یاسمی - سرهنگ حاج علی رزم‌آرا - سرهنگ کریم قوائلو.

فرهنگستان تا شهریور سال ۱۳۲۰ ه. ش. بطور فعال بکار وازه‌سازی ادامه می‌داد و نزدیک ۱۵۰۰ واژه فارسی را جایگزین واژه‌های نامتناسب و بیگانه کرد.

نخستین جلسه انجمن در ۲۸ آن ماه ۱۳۰۳ ه. ش. در وزارت فرهنگ منعقد شد و تا آخر همان سال هفته‌ای یکبار بطور مستمر تشکیل می‌یافت و در این مدت بالغ بر سیصد لغت وضع گردید. طرز کار اصطلاحات مورد نیاز به زبان فرانسه نوشته و قبلاً برای اعضا ارسال می‌شد و آنان به ذوق و سلیقه خود، کلماتی در مقابل الفاظ فرانسوی می‌نوشتند و به انجمن می‌آوردند. اصطلاحات مزبور عمدتاً مربوط به هواپیمایی - مهندسی نظام - توپخانه - سازمان نظام - ماشین‌آلات و افزار جنگی بودند برای نمونه:

فرودگاه = Aérodrome

هواسنج = Aérometre

خلبان = Pilote

آتشبار = Batterie

ارابه جنگی =

۵. a. Char de combat

در سال ۱۳۱۱ ه. ش. عیسی صدیق تصدی دارالمعلمین عالی را داشت و برای پرورش ملکات فاضله و خصایل پسندیده انجمنهایی در آن جا تأسیس گردید که عبارتند از: ورزش - سالنامه - کتابخانه - منطق و مناظره و از آن جمله: وضع لغات و اصطلاحات علمی. (این انجمن در اسفند ۱۳۱۱ ه. ش. پدید آمد و تا مهرماه ۱۳۱۹ ه. ش. وجود داشت).

فرهنگستان ایران در ۱۳۱۴ ه. ش.

وزارت معارف برای تهیه مقدمات تشکیل فرهنگستان، جلساتی با شرکت عده‌ای از دانشمندان در محل سابق دانشکده حقوق (خانه اتابک واقع در خیابان لاله‌زار) ترتیب داد و اساسنامه فرهنگستان را تهیه کرده، در جلسه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ به تصویب هیأت دولت رسانید. اساسنامه مذکور در تاریخ پنجم خرداد ۱۳۱۴، بدین شرح به وزارت معارف ابلاغ شد: ماده اول - برای حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی، انجمنی به نام «فرهنگستان ایران» تأسیس می‌شود.

ماده دوم - وظایف فرهنگستان به قرار ذیل است:

- ۱- ترتیب فرهنگ به قصد رد و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی.
- ۲- اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی یا سعی در اینکه حتی الامکان فارسی باشد.
- ۳- پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی.
- ۴- تهیه دستور زبان و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یا رد لغات خارجی.
- ۵- جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه و ران و صنعتگران.
- ۶- جمع‌آوری الفاظ و اصطلاحات از کتب قدیم.
- ۷- جمع‌آوری لغات و اصطلاحات و اشعار

و امثال و قصص و نوادر و ترانه‌ها و آهنگهای ولایتی.

۸ - جستجو و شناساندن کتب قدیم و تشویق به طبع و نشر آنها.

۹ - هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر و اختیار آنچه از ادبیات گذشته پسندیده است و رد آنچه منحرف می‌باشد و راهنمایی برای آینده.

۱۰ - تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی.

۱۱ - تشویق دانشمندان به تألیف و ترجمه کتب سودمند به فارسی فصیح و مانوس.

۱۲ - مطالعه در اصلاح خط فارسی. ماده سوم - فرهنگستان دارای دو قسم عضو: (پیوسته و وابسته) خواهد بود.

پیوستگان اعضایی هستند که افکار خود را بوسیله مکاتبه به فرهنگستان می‌رسانند.

ماده چهارم - فرهنگستان با ۲۴ نفر عضو پیوسته، شروع به کار خواهد کرد. ولدی الاقتصا، ممکن است عده پیوستگان به ۵۰ نفر برسد.

ماده پنجم - عضو پیوسته باید ایرانی و سن او لااقل سی و پنج سال باشد.

ماده ششم - در آغاز کار، انتخاب اعضای پیوسته به پیشنهاد وزارت فرهنگ و تصویب هیأت دولت خواهد بود و پس از آن به پیشنهاد فرهنگستان (به اکثریت دو ثلث اعضا) و موافقت وزارت فرهنگ و تصویب هیأت دولت به عمل خواهد آمد.

ماده هفتم - فرهنگستان یک نفر رئیس خواهد داشت که به موجب فرمان همایونی منصوب خواهد شد و دارای دو نفر نایب رئیس و دو نفر منشی خواهد بود که به اکثریت نسبی پیوستگان برای دو سال انتخاب می‌شوند. طرز انتخاب هیأت رئیس و همچنین وظایف آنان را نظامنامه داخلی معین خواهد نمود.

ماده هشتم - فرهنگستان بر طبق ماده ۵۸۷ قانون تجارت، منصوب ۱۳۱۱ ه. ش. دارای شخصیت حقوقی خواهد بود و رئیس، نماینده

فرهنگستان می‌باشد.

ماده نهم - فرهنگستان دارای، دبیرخانه‌ای (دارالانشاء) خواهد بود که رئیس و اعضای آن از طرف وزارت فرهنگ منصوب می‌شوند.

ماده دهم - اعضای وابسته، از میان علما و ادبای داخله و خارجه، انتخاب می‌شوند. عضویت آنان مانند عضویت اعضای پیوسته مادام‌العمر خواهد بود.

ما باید در اولین قدم و نخستین فرصت قواعد و قوانین زبان خود را مسلم و محرز کنیم و میزانی ثابت و درست بدهیم که کدام کلمه اصیل است و کدام دخیل، چه قسم الفاظ بیگانه را می‌توان پذیرفت و چه قسم شایسته قبول نیست چگونه کلمات را می‌توان وضع یا با یکدیگر ترکیب کرد، کجا استعمال و ترکیب قیاسی است و کجا سماعی

ماده یازدهم - جلسات رسمی فرهنگستان با حضور نصف بعلاوه یکی از پیوستگان حاضر در تهران، منعقد خواهد شد.

ماده دوازدهم - فرهنگستان بر حسب وظایفی که دارد، ممکن است به کمیسیونهای جزء تقسیم شود. در صورت لزوم از اشخاص خارج نیز برای مشاوره و معاونت می‌تواند دعوت نماید.

ماده سیزدهم - فرهنگستان می‌تواند جلسات تشریفاتی داشته باشد و تماشاچیان ممکن است در این جلسات حاضر شوند.

ماده چهاردهم - پیوستگان ممکن است لباس مخصوص داشته، در جشنها و تشریفات

دولتی بدان ملبیس گردند. شکل این لباس در نظامنامه جداگانه معین خواهد شد.

ماده پانزدهم - بودجه فرهنگستان در ضمن بودجه وزارت فرهنگ منظور خواهد شد ولیکن عضویت فرهنگستان افتخاری خواهد بود.

ماده شانزدهم - مقررات لازم برای اجرای وظایف فرهنگستان و نظامنامه‌های راجع به هیأت رئیس، کمیسیونها و نظامهای داخلی و غیره، پس از پیشنهاد فرهنگستان و تصویب وزارت فرهنگ، به موقع اجرا گذارده خواهد شد. به موجب این اساسنامه، نخستین جلسه عمومی فرهنگستان، روز دوشنبه ۱۲ خردادماه ۱۳۱۴ ه. ش. با حضور ۲۴ تن از پیوستگان تشکیل شد و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۷ ه. ش. به دستور رضاشاه، سازمان آن تغییر کرد و علاوه بر جلسه‌های عمومی که در هر هفته یکبار از پیوستگان تشکیل می‌شود، به هشت کمیسیون فرعی تقسیم گردید، از این قرار:

۱ - کمیسیون بررسی / اصطلاحات اداری، مرکب از اعضای ذیل:

تیمسار سرلشکر احمد نخجوان (رئیس)، دکتر عیسی صدیق (مخبر)، سرهنگ غلامحسین مقتدر (منشی)، احمد اشتری - رشید یاسمی - محمد حجازی - سرهنگ [شرف‌الدین] قهرمانی - بهروز.

### سند شماره ۱

بخشنامه وزارت داخله، به تاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۵، شماره ۱۷۰۴۵.

در جلسات عمومی فرهنگستان نسبت به بیست و دو کلمه و اصطلاحات ذیل معادلهایی انتخاب شده که از تصویب پیشگاه همایون شاهنشاهی هم گذشته است، مقرر فرمایید، در به کار بردن کلمات جدید از این به بعد اقدام نمایند.

۱ - خدمتگزار بجای مستخدم

۲ - کارآموزی بجای استاژ - مقصود از این اصطلاح دوره‌ای است که اشخاصی که وارد

خدمت می‌شوند، بی‌حقوق برای آشنا شدن به کار خدمت می‌نمایند و چون لغت بیگانه بوده، تغییر داده شده.

۳- کارآموز بجای استاژیر - کسی که مشغول کار آموختن است.

۴- پایه بجای مقام، اشل و رتبه - هر سه کلمه در ادارات یک معنا و کلمه پایه، تمام آن معانی را می‌رساند.

۵- برگردان بجای کاربن - کاغذهایی است که برای رونوشت به کار می‌رود.

۶- پیش‌نویس بجای مینوت - پیش از اینکه نامه‌ای نوشته شود، در روی برگهای مخصوص، زمینه‌ای تهیه می‌شود، که بنظر رؤسا، رسیده و پس از تصدیق آنها پاکتویس شده و به امضا خواهد رسید، چون کلمه بیگانه بود، تغییر داده شد.

۷- پیمان‌نامه بجای تعهدنامه - نوشته‌ای است که برای انجام کاری از کسی گرفته می‌شود.

۸- آیین‌نامه بجای نظامنامه - دستوری است که برای انجام و اجرای قانون در وزارتخانه‌ها تهیه می‌کند.

۹- کلید بجای مفتاح - مقصود مفتاح رمز است که پس از کلید رمز گفته خواهد شد.

۱۰- بازنشستگی بجای تقاعد.  
۱۱- بازنشسته بجای متقاعد.

۱۲- نوشت افزار بجای لوازم‌التحریر - تمام چیزهایی که برای نوشتن به کار می‌رود.

۱۳- سازمان بجای تشکیلات - مقصود از تشکیلات کلمه‌ای است که به زبانهای اروپایی ارگانیزاسیون می‌گویند.

۱۴- برگ بجای ورق - یک ورق کاغذ را باید گفت یک برگ کاغذ و (ورق) معرب برگ است.

۱۵- ساختگی بجای مجعول - بجای سند مجعول و مهر مجعول باید سند ساختگی و مهر ساختگی گفت.

۱۶- رسیدگی بجای تحقیق.

۱۷- نمودار بجای گرافیک - گرافیک خطوطی است که در آمارها به کار رفته، بالا و

پایین آمدن رقمهای آمار را در موقع مختلف نشان می‌دهد.

۱۸- برچیدگی بجای انحلال - بجای اینکه گفته شود مؤسسه، یا فلان اداره منحل شد. باید گفت: بنگاه یا اداره، برچیده شد، یا پس از انحلال مؤسسه باید گفت: پس از برچیده شدن بنگاه.

۱۹- کارمزد بجای حق‌العمل - حقی است که در مقابل انجام کاری به کسی داده می‌شود.  
۲۰- فهرست بجای اندکس.

۲۱- مهر بجای استامپ - استامپ در اداره‌ها غلط به کار رفته و در زبانهای بیگانه فقط به معنی مهر است نه پارچه و نمذ آلوده به مرکب که مهر را به آن می‌زنند.

۲۲- درخواست بجای تقاضا و عرض حال.  
رئیس‌الوزرا [محمود جم]

[حاشیه]: رونوشت بخشنامه بالا برای اطلاع فرمانداری تهران فرستاده می‌شود.<sup>۷</sup>

بجای وزیر داخله: [احمد] فریدونی  
۲- کمیسیون اصطلاحات دادگستری (قضایی)، مرکب از اعضای ذیل:

دکتر ولی‌الله نصر (رئیس). دکتر علی‌اکبر سیاسی (منشی). جمال‌الدین اخوی (مخبر). دکتر [علی] شایگان. [حبیب‌الله] آموزگار - علی پاشا صالح - مصطفی عدل.

سند شماره ۲  
بخشنامه وزارت داخله، بتاريخ ۱۳۱۷/۱۱/۳۰، شماره ۱۶۰۶۱

در یکصد و بیست و نهمین جلسه عمومی فرهنگستان، طبق پیشنهاد وزارت دادگستری برای بیست و دو واژه مورد احتیاج وزارت نامبرده، بشرح زیر: برابراهایی برگزیده شد، که به تصویب پیشگاه مبارک ملوکانه و هیأت وزیران نیز رسیده است:

۱- محکمه صلح دادگاه بخش.  
۲- محکمه بدایت دادگاه شهرستان.  
۳- محکمه استیناف دادگاه استان.  
۴- پارکه دادسرا.

۵- دیوان عالی تمییز دیوان دادرسی کشور.  
۶- مدعی العموم دادستان.  
۷- وکیل عمومی دادیار.

۸- صلح سازش.  
۹- رسیدگی بدایت رسیدگی نخستین.

۱۰- رسیدگی استیناف پژوهش.  
۱۱- رسیدگی تمییز فرجام.

۱۲- عرض حال دادخواست.  
۱۳- مستأنف پژوهش خواه.

۱۴- مستأنف علیه پژوهش خوانده.  
۱۵- مستأنف عنه پژوهش خواسته.

۱۶- مستدعی تمییز فرجام خواه.  
۱۷- مستدعی علیه تمییز فرجام خوانده.

۱۸- ممیزعنه فرجام خواسته.  
۱۹- رسیدگی تمییزی رسیدگی فرجامی.

۲۰- ورقه حکمیة دادنامه.  
۲۱- جرم بزه.

۲۲- مجرم بزه کار.  
مقرر فرمایید برای به کار بردن ۲۲ واژه بالا، دستور لازم را صادر نمایند. نخست‌وزیر.

[حاشیه]: ۹۴۵۰۳-۱۷/۲/۶ رونوشت بخشنامه برای اطلاع فرمانداری تهران فرستاده می‌شود، قدغن فرمایید، واژه‌های برگزیده را استعمال نمایند. از طرف وزیر کشور [احمد] فریدونی

۳- کمیسیون اصطلاحات علمی، مرکب از اعضای ذیل:

غلامحسین رهنما (رئیس) - دکتر محمود حسابی (مخبر) - حسین گل‌گلاب (منشی) - دکتر خبیری - دکتر پارسا - دکتر آل‌بویه - ابوالقاسم نراقی - دکتر عبدالله شیبانی - شیخ‌نیا - دکتر فرشاد - دکتر [حسین] جودت - تقی فاطمی - دکتر روشن زائر - [مهندس] عبدالله ریاضی - دکتر افصلی‌پور - مرتضی قاسمی - دکتر ابوالقاسم غفاری - جمال افشار<sup>۸</sup>

صورت واژه‌های علمی که در یکصد و چهل و پنجمین جلسه عمومی فرهنگستان پذیرفته شده است:

۱ - شخانه بجای احجار ساقطه و Meteorite شده و آن سنگهای پراکنده در است که چون در ضمن جنبش خود از هوای زمین بگذرند، فروخته شده، روشنایی می‌دهد و تیر شهاب نامیده می‌شوند. اگر بعضی از آنها به زمین برسند به فرانسه آنها "Bolide Meteorite" می‌گویند. شخانه در کتابهای لغت قدیمی به همین معنی ضبط است.

۲ - بارخیز بجای "Fertile" در اصطلاح گیاه‌شناسی پذیرفته شده. در اصطلاح کشاورزی زمین را حاصلخیز می‌گویند، ولی در گیاه‌شناسی، شاخه‌هایی از رُستنی‌ها را که بر آنها ممکن است، بار و میوه‌ای پیدا شود "Fertile" اصطلاح کرده‌اند و بارخیز نامیده خواهد شد.

۳ - باردهی، بارآوری بجای "Fructification" پذیرفته شده.

۴ - رخ بجای "Entaille" در اصطلاح زمین‌شناسی پذیرفته شده و مقصود از "Entaille" خطهایی است بر روی سنگها که چون ضربه به سنگ برسد، از آن خطها شکسته می‌شود. رخ: در اصطلاح سوهانکاری، امروزه نیز به خطوطی می‌گویند که از کشیدن سوهان بر روی فلز باقی می‌ماند.

۵ - ناودیس بجای "Synclinal" یعنی چین خوردگی‌های زمین که بشکل ناو است، اختیار شده.

۶ - تاقدیس بجای "Anticinal" یعنی چین خوردگی‌های زمین که بشکل طاق است، پذیرفته شده.

۷ - تنده بجای "Escarpement" یعنی سرایشی بسیار تند کوه پذیرفته شده.

۸ - گسله بجای "Faille" یعنی گسیختگی اشکوبهای موازی رسوبی پذیرفته شده است و

در لغت به همین معنی آمده است.

۹ - تراک بجای "Fissure" پذیرفته شده و در زبان عوام آن را ترک می‌گویند.

۱۰ - شکاف بجای "Fente".

۱۱ - شکست بجای "Cassure".

۱۲ - جر بجای "Crevass" یعنی تراکهای زمین پذیرفته شده و در لغت‌های قدیم به همین معنی آمده است.

۱۳ - کوه‌زایی بجای "Orogeness".

۱۴ - کوه‌زا بجای "Orogenique" مقصود از کوه‌زایی حرکات پوسته زمین است که موجب پیدایش کوهها و ناهمواریها و فرورفتگیهای زمین می‌شوند.

۱۵ - ستیغ بجای "Frete" پذیرفته شده است.

۱۶ - بستگی بجای "Relation" و رابطه در اصطلاح حساب.

۱۷ - کمینه بجای "Minimum".

۱۸ - بیشینه بجای "Maximum".

[حاشیه: ۲۱۷۷۲-۱۴/۵/۲ لغات برگزیده شده بالا برای بخشدار فرستاده می‌شود که به جای واژه‌های پیش به کار ببرید.

۴ - کمیسیون دستور زبان فارسی، مرکب از اعضای ذیل:

عبدالعظیم قریب (رئیس) - حسنعلی مستشار (مخبر) - آقای پوردوود (منشی) - بدیع الزمان فروزانفر - عباس اقبال آشتیانی - محمد قزوینی - محمدتقی بهار - همایون فرخ - [جلال‌الدین] همایی - مهدی بیانی - روان لوابی.

#### سند شماره ۴

بخشنامه وزارت کشور، تاریخ ۱۳۱۹/۷/۹، شماره ۲۰۸۲۸۸، اداره دفتر وزارت.

سیاهه چهار واژه فارسی که از طرف فرهنگستان ایران در برابر واژه‌ها و اصطلاحات عربی برگزیده شده و مورد تصویب پیشگاه

مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفته است به شرح پایین:

۱ - قسی القلب سنگدل - دل‌سخت - سخت‌دل

۲ - رقیق القلب نازک‌دل

۳ - سخی الطبع راد - جوانمرد - گشاده‌دست

۴ - ذنی الطبع پست - فرومایه - ناجوانمرد

۵ - علی الاتصال پیوسته - دمام

۶ - علی السوی - علی السویه یکسان

۷ - دائم التزاید روزافزون

۸ - اظهر من الشمس روشن‌تر از آفتاب

۹ - مزی ما مزی گذشته - گذشت

۱۰ - متخذ الشكل هم‌شکل - همسان

۱۱ - مختلف الشكل گوناگون

۱۲ - جلیل القدر ارجمند - بلندپایه - بزرگوار

۱۳ - شدید اللحن تند - زننده - درشت‌گوی

۱۴ - طویل القامه بلند قد - بلند بالا

۱۵ - قصیر القامه کوتاه قد - کوتاه

۱۶ - سلیم النفس نیک‌سرشت - پاک‌نهاد

۱۷ - عظیم الجثه تنومند - کلان - گنده

۱۸ - مختلف اللون رنگ‌برنگ - رنگارنگ

۱۹ - قطاع الطريق راهزنان

۲۰ - مطلق العنان خودکام - خودسر - خیره‌سر

۲۱ - الی الحال - الی الان تاکنون - تا این دم

۲۲ - اولوالامر فرمانروایان

۲۳ - مزید علی ماسبق بیش از پیش

۲۴ - علی الغفله ناگاه

۲۵ - ابد الذهر جاودان - جاوید - همیشه

۲۶ - لامحاله ناچار - ناگزیر - دست‌کم

۲۷ - لیلتها را شب و روز

۲۸ - لاشئ ناچیز

۲۹ - رطب اللسان تر زبان

۳۰ - لا قید بی‌قید

۳۱ - مشار بالبتان انگشت‌نما - برجسته

۳۲ - فی الحقیقه برآستی

۳۳ - لا کلام بی‌گفتگو - بی‌سخن

۳۴ - لا ابالی بی‌بند و بار

۳۵ - کامیلق چنانکه باید - چنانکه شاید -

چنانکه سزد - بسزا

۳۶- لاطائل

بیهوده

قاعده کلی درآمد، شامل افراد بی شمار می شود؛ دیگر محتاج نیستیم که کلمه به کلمه بحث کنیم<sup>۱۲</sup>.

گذرنامه) تابعیت گرفته و آداب و رسوم آن کشور را پذیرفته و در حکم افراد اصیل آن مملکت شده باشند.<sup>۱۳</sup>

۳۷- علی التدریج

اندک اندک - رفته رفته - کم کم جز خدا

۳۸- ما سوی الله

۳۹- بالتیجه

در نتیجه

۴۰- الی آخر

تا آخر

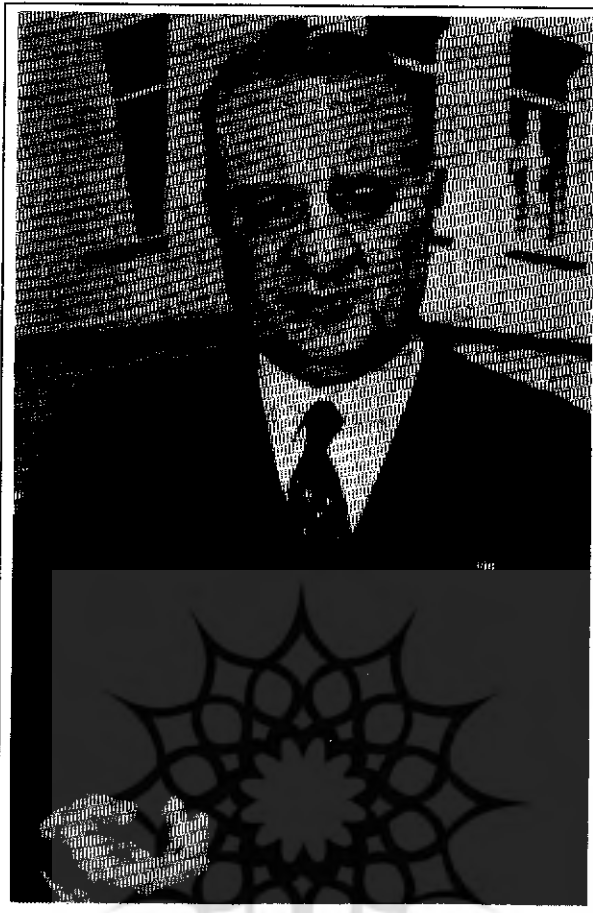
[حاشیه]: ۹۲۱۵۹-۱۹/۸/۶ به فرمانداری.... ابلاغ می شود که دستور فرمایند از این تاریخ واژه های نو را در نوشتن و گفتگو به کار برند.

تعداد نسخه هم برای ابلاغ به بخشدار و شهرداریهای تابع فرستاده می شود.

رونوشت برای اطلاع و مراقبت در اجرا به استانداری از طرف وزیر کشور محمدعلی وارسته

رونوشت مجموع برای اطلاع و اجرا به [اداره] انتظامات ابلاغ می شود.<sup>۱۱</sup>

در این زمینه استاد همایی در ادامه فعالیت های فرهنگستان که بعد از سال ۱۳۲۰ بصورت مقطعی و در حد برگزاری سخنرانی و بحث های علمی و تخصصی به منظور تدوین دستور کاملی در زبان و ادبیات فارسی بوده است، در گفتاری تحت عنوان «گفتار در صرف و نحو فارسی» بیان می دارد که:



علی اصغر حکمت

قواعد و اصول یک زبان درست در حکم قوانین یک کشور است. از کشوری که قانون در آن حکمفرما نیست جز هرج و مرج چه انتظار باید داشت. الفاظ بیگانه عیناً مثل افراد خوش نشین بیگانه اند که مملکتی را اشغال کرده، خودسر در آن جا زندگانی می کنند. اگر این کلمات در تحت تصرف شعرا و نویسندگان و ادبا و دانشمندان باذوق درآمدند و محل استعمال به جا و بمورد و مسکنی مناسب بدانها داده شد (مثل کلمات عربی که امثال غزالی و سعدی در نثر و نظم آورده اند) و با الفاظ نژاده فارسی هم آهنگی داشت یا در اثر تصرف و استعمال سازگاری پیدا کرد. بالجمله اگر در تحت ضوابط و اصول مقرر زبان داخل شد، عیناً مثل این است که تذکره

«ما باید در اولین قدم و نخستین فرصت، قواعد و قوانین زبان خود را مسلم و محرز کنیم و میزانی ثابت و درست بدهیم که کدام کلمه اصیل است و کدام دخیل، چه قسم الفاظ بیگانه را می توان پذیرفت و چه قسم شایسته قبول نیست چگونه کلمات را می توان وضع یا با یکدیگر ترکیب کرد، کجا استعمال و ترکیب قیاسی است و کجا سمعی و امثال اینها (مثلاً کلمات: مند، گین، ناک، گور، ور در دانشمند، سهمگین، سهمناک، ستمگر و هنرور کجا باید استعمال شوند و با یکدیگر چه تفاوت دارند). سپس به آرایش و پیرایش زبان خود بپردازیم. بدیهی است وقتی که یک مطلب بصورت ضابطه و

۵- کمیسیون بررسی به نامهای جغرافیایی، مرکب از اعضای ذیل:  
دکتر شفق (رئیس) - حسین گل گلاب (مخبر و منشی) - عباس اقبال آشتیانی - بهمنش - دکتر خان بابا بیانی.

### سند شماره ۵

وزارت داخله، اداره کارگزینی، تاریخ ۱۳۱۶/۸/۱۵، نمره ۱۵۰۵ فرهنگستان ایران در هشتاد و هشتمین جلسه عمومی بعوض تیکان تپه و طاطائو، نامهای ذیل را وضع نموده اند:  
۱- تیکان تپه.... تکاب - (توضیح آنکه تکاب محلی را گویند که در آن سبزه و آب و بعضی قسمتهای خشک باشد و این کلمه، یاتیکاتپه - که به معنی (خارتپه است) از حیث لفظ و معنی مناسب است.  
۲- طاطائو.... سیمین رود.  
قدغن فرمایید واژه های تازه را در نامه ها به کار برند.

رئیس الوزرا محمود جم [حاشیه]: شماره ۱۴۴۲۲ / ۵۰۷۴۳ - ۱۶/۹/۸ رونوشت به فرمانداری طهران - ارسال می شود. پ  
از طرف وزیر داخله [احمد فریدونی] ۵۱۱۷ - ۱۶/۹/۱۶ رونوشت با کد برای اطلاع بخشدار ابلاغ می گردد.<sup>۱۴</sup>  
۶- کمیسیون تهیه فرهنگ زبان فارسی مرکب از اعضای ذیل:

محمدعلی فروغی (رئیس) - بدیع الزمان فروزانفر (مخبر) - سعید نفیسی (منشی) - دکتر شفق - امیر خیزی - بهمنیار - محمدتقی بهار - پورداوود  
دربارۀ فعالیت کمیسیون تهیه فرهنگ زبان فارسی، بایستی یادآور شد که حسن وثوق

(وثوق الدوله) و حسین سمعی (ادب السلطنه) و اقران آنان از اعضای فرهنگستان، عده‌ای از اهل ادب را برای این مهم دعوت کرده بودند. در آن جلسه در ترتیب و تنظیم فرهنگ فارسی از هر دری سخنی رانده شد و راههایی نیز نموده شد، اما آن جلسه بی نتیجه ماند و تدوین فرهنگ عظیم و اصیل فارسی که مورد نظر بود، تبدیل شد به دو تألیف از بدیع الزمان فروزانفر و سعید نفیسی استادان بزرگ این فن که هر دو نسخه به هزینه فرهنگستان اما هر دو تألیف ناتمام ماند و فرهنگ ناتمام هم مورد استفاده نتواند بود. ۱۵

۷ - کمیسیون راهنمایی برای هدایت افکار و جمع آوری آنگهای محلی و اصطلاحات ولایتی، مرکب از اعضای ذیل:

حسن اسفندیاری [محتشم السلطنه] (رئیس) - سرهنگ مقتدر (منشی) - حسنعلی مستشار (مخبر) - محمدعلی فروغی [ذکاءالملک] - رهنما - دکتر عیسی صدیق - عباس اقبال آشتیانی - روح الله خالقی - پرویز خانلری.

#### سند شماره ۶

وزارت معارف، فرهنگستان ایران، بتاريخ ۱۳۱۶/۸/۳، نمره ۲۵۰، بخشنامه صادر شده ۱۶/۸/۳

به موجب پیشنهادات وزارت داخله، نامه‌هایی که در این نامه نوشته می‌شود، در جلسات هشتاد و هفتم و هشتاد و هشتم فرهنگستان برای تقسیمات جدید کشوری در نظر گرفته شد و در تاریخ دوم آبان ۱۳۱۶ مورد تصویب پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفت.

۱ - هریک از شش ناحیه تقسیمات کشوری..... استان.

۲ - متصدی کارهای استان.....

استاندار..... نام استان و استاندار در دوره‌های ساسانیان معمول بوده و در کتابهای بعد از دوره اسلامی هم دیده می‌شود.

۳ - هریک از پنجاه ولایت..... شهرستان.

۴ - حاکم شهرستان.....

فرماندار..... در فرهنگها به همین معنی دیده می‌شود.

۵ - هریک از تقسیمات ولایتی..... بخش.

۶ - متصدی کارهای بخش..... بخشدار.

۷ - بلوک..... دهستان.....

دهستان در فرهنگها و کتب قدیم به چند قریه و ده گفته شده است.

۸ - متصدی کارهای بلوک.....

دهدار..... این کلمه در کتابهای قدیم دیده می‌شود و نام کسی است که به کارهای چند ده رسیدگی می‌کند.

چون نامه‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ به

وزارتخانه‌ها ابلاغ شده و نام شماره ۴

(فرمانتوزار) ابلاغ شده و نامه‌های شماره ۶ و ۸

هنوز ابلاغ نشده است، متمنی است؛ مقرر

فرمایند، نامه‌های تقسیمات بصورتی که به

تصویب پیشگاه همایونی قرار گرفته است، به

ادارات مربوطه ابلاغ نمایند. ۱۶

رئیس فرهنگستان ایران حسن وثوق

۸ - کمیسیون بررسی به اصطلاحات

پزشکی (طبی)، مرکب از اعضای ذیل:

دکتر امیراعلم (رئیس) - دکتر قاسم غنی

(منشی) - دکتر محمدحسین ادیب -

دکتر محمد نجم آبادی - دکتر شهزاد - دکتر حبیبی

- دکتر کاسمی.

#### سند شماره ۷

وزارت داخله، اداره جغرافیایی و

بررسیهای علمی، بتاريخ ۱۳۱۸/۷/۲۳

شماره ۲۱۸۷۷۶

در یکصد و پنجاه و یکمین جلسه عمومی فرهنگستان برای ۲۴ کلمه از اصطلاحات پزشکی برابرهایی برگزیده شده و مورد تصویب پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفت، صورت آن واژه‌ها تلوأ فرستاده می‌شود که مقرر دارند به ادارات تابعه دستور به کار بردن آنها داده شود.

نخست وزیر محمود جم

[حاشیه]: ۱۸/۸/۵۴۹۶۲/۶۸۲۴۷

رونوشت برای اداره فرمانداری تهران فرستاده می‌شود.

از طرف وزیرکشور [احمد] فریدونی

۱ - جهاز محزه = دستگاه جنبش، استخوان

و گوشت را در دستگاه جنبش نامند.

۲ - مسکن = آرامده

۳ - زرق = سوزن زدن

۴ - رزاقه = آبدزدک

۵ - [Mursure] = گزش

۶ - [Phagocyte] = بیگانه‌خوار -

بعضی از گلبولهای سفید خون، میکروبها و یا

موادی را که داخل خون می‌شوند، می‌خورند.

۷ - [Phagocytose] = بیگانه‌خواری

۸ - ریزخوار = ریزخوار.

۹ - جانورانی که غذاهای درشت می‌خورند

[Macrophage] - درشت‌خوار.

۱۰ - [AutoPhage] = خودخوار.

۱۱ - سامعه = شنوایی - این واژه را ابوعلی

در کتابهای خود که به Oule فارسی نوشته است

به کار برده.

۱۲ - شامه = بویایی.

۱۳ - ذائقه = چشایی.

۱۴ - باصره = بینایی، ردیف بساوایی.

۱۵ - لامسه = بساوایی.

۱۶ - لمس کردن = بساویدن - بسودن.

۱۷ - [رؤیت Vision] = دید.



۱۸ - حنجره = خشک‌نای از اصطلاحات ابوعلی سیناست.

۱۹ - مری = سرخ‌نای

۲۰ - مضمار = چاک‌نای.

۲۱ - دریچهٔ مکیبی = دریچهٔ نای.

۲۲ - طناب صوتی = تارآوا.

۲۳ - قصبه‌الریه = نای.

۲۴ - [شعبهٔ قصبه‌الریه<sup>۲۰</sup> Bronche] نایزه (نایزه).

۲۵ - لازم است از این به بعد واژه‌های بالا را به‌کار ببرند. فرمانداری تهران<sup>۲۱</sup>.

هر کمیسیون باید در هفته یک روز جلسهٔ عمومی خود را تشکیل داده و گزارش جلسه را به هیأت رئیسهٔ فرهنگستان بدهد. در کمیسیونهای هشتگانه از دانشمندان دیگری که در شعب مختلف تخصص دارند، دعوت شده است که به همراه پیوستگان در جلسات شرکت کنند. در اسفندماه ۱۳۱۸ ه. ش.، تعداد پیوستگان ۲۹ تن بوده‌اند. و غیر از کارمندان پیوسته فرهنگستان ایران مطابق بنیادنامه، دارای نه تن کارمند وابسته می‌باشد که نامهای آنها برحسب تاریخ مشخص می‌شود.

سید محمدعلی جمالزاده - پرفسور کریستین سن (دانمارکی) - استاد هانری ماسه (فرانسوی) - دکتر فخر ادهم (فخرالاطباء) - محمد حسنین هیکل وزیر فرهنگ مصر - محمد رفعت پاشا رئیس فرهنگستان مصر - دکتر منصور بیگ فهمی کارمند فرهنگستان و رئیس کتابخانهٔ مصر - علی بیگ الحارم کارمند فرهنگستان مصر - پرفسور پیکا (چکوسلواکی).

سند شماره ۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ادارهٔ دفتر وزارتی، شماره ۱۷۶۳۱، تاریخ ۱۳۱۷/۵/۲۹

وزارت امور خارجه

در پاسخ رونوشت نامهٔ شماره ۲۶۰۹۹-۴۳۶۳ مورخ امروز اشعار می‌دارد؛ در مرقعه‌ای که جناب آقای رئیس‌الوزرا در مصر تشریف داشته‌اند راجع به این که چهار تن از اعضای فرهنگستان ایران به عضویت افتخاری فرهنگستان مصر انتخاب و در مقابل چهار نفر از اعضای فرهنگستان مصر به عضویت افتخاری فرهنگستان ایران انتخاب گردند. میان هیأت نمایندگی ایران و اولیای دولت مصر مذاکراتی شده و جریان امر را جناب آقای رئیس‌الوزرا بعرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانده و اساس موضوع از شرف تصویب ملوکانه گذشته است. اینک برای مزید آگاهی اطلاع می‌دهد که اولیای دولت مصر من غیر رسم چهار نفر عضو فرهنگستان مصر را که به عضویت افتخاری فرهنگستان ایران ممکن است انتخاب شوند. بشرح ذیل معرفی نموده بودند:

(۱) - جناب آقای محمد حسنین هیکل

وزیر معارف مصر.

(۲) - جناب آقای محمد رفعت پاشا، رئیس فرهنگستان مصر.

(۳) - آقای دکتر منصور بیگ فهمی، عضو فرهنگستان و رئیس کتابخانه.

(۴) - آقای علی بیگ الحارم، عضو فرهنگستان.

و اکنون سفارت پادشاهی مصر در تهران طبق یادداشت خود نامزدی چهار نفر مزبور را برای این کار تأیید کرده‌اند. از طرف فرهنگستان ایران نیز چهار نفر به تناسب مشاغلی که آقایان نامبرده دارند بشرح ذیل:

(۱) - حسین سمیعی - نسایب رئیس فرهنگستان.

(۲) - دکتر قاسم غنی - عضو فرهنگستان.

(۳) - رشید یاسمی - عضو فرهنگستان.

و این‌جانب به مناسبت تصدی کفالت وزارت معارف، برای عضویت افتخاری فرهنگستان مصر در نظر گرفته شده‌اند. متمنی است دستور فرمایند تلگرافی به سفارت شاهنشاهی ایران در قاهره تعلیمات مقتضی بدهند که اسامی چهار نفر اعضای فرهنگستان ایران را من غیر رسم به اطلاع اولیای معارف دولت مصر رسانده و نتیجهٔ مذاکرات را بوسیلهٔ آن وزارتخانه، اطلاع دهند تا نسبت به انجام این موضوع بطریق رسمی اقدام گردد. کفیل وزارت معارف و اوقاف [اسماعیل مرآت]<sup>۲۲</sup>

چنانکه در متن بنیاد نامه می‌بینیم، فرهنگستان ایران بجز پیراستن زبان فارسی و گزینش الفاظ و اصطلاحات ویژه در رشته‌های گوناگون علمی و ادبی و گردآوری واژه‌ها و اصطلاحها، مثلها و قصه‌های اصناف مختلف و تنظیم یک لغتنامه جامع فارسی، وظایف دیگری نیز در زمینهٔ تألیف و ترجمهٔ کتب سودمند و تشویق شاعران و نویسندگان به خلق آثار نو و ارزنده و انتشار متون قدیمی و هدایت افکار در شناخت صحیح ادبیات و نظم و اثر فارسی بر عهده داشت. ولی فرهنگستان هرگز به آن هدف عالی که منظور نهایی آن را بیان می‌داشت، دست نیافت و کوشش خود را تنها در یک رشته که گزینش واژه‌ها بود متمرکز ساخت که در این کار نیز گاهی دچار بی‌ذوقی و تندیهای افراطی می‌شد.

«سرانجام بعد از حادثهٔ شهریور ۱۳۲۰ ه. ش.، وزیر فرهنگ وقت (گویا، دکتر عیسی صدیق) بی‌اعتباری بسیاری از مصوبات فرهنگستان را اعلام کرد و نویسندگان را در استعمال آنها مخیر ساخت.

در آغاز، واژه‌های مصوب فرهنگستان ضمن بخشنامه بوسیله نخست‌وزیری به سازمانهای دولتی ابلاغ می‌شد ولی چند واژه ناخوشایند که با بی‌ذوقی برگزیده شده بود، مانند: «دستینه» به جای امضاء، «نشست» به جای جلسه، «نام و نشان» به جای سجل احوال (که بعداً به «شناسنامه» تبدیل شد و... از تصویب فرهنگستان گذشت، این واژه‌ها در گزارشی که بایستی به رضاشاه عرضه می‌گردید؛ وی این واژه‌های ناخوشایند را نپسندید و دستور داد از آن پس واژه‌های مصوب فرهنگستان را پیش از آنکه به سازمانهای دولتی ابلاغ کنند به نظر او برسانند، از آن پس واژه‌های نو، پس از تصویب و تأیید رضاشاه به وزارتخانه‌ها ابلاغ و به کار بسته می‌شد.»<sup>۲۳</sup>

#### لغت‌سازی در فرهنگستان ایران

رئیس (وثوق الدوله) - برای «بیطار» پزشک گفته شده و پزشک لغتی است بسیار خوب که در همه جا به معنی طیب آمده.  
 دکتر شفق - پزشک یکی از لغات خوب قدیم است به معنی طیب.  
 رئیس - پزشک فارسی مسلم معروف است.  
 برای «بیطار»، «دام‌پزشک» یا «ستور پزشک»، پیشنهاد شده، ظاهراً «دام» بهتر است چون به معنی عموم حیوانات اهلی استعمال شده.  
 سمیعی - ولی این کلمه معانی دیگری هم دارد.  
 دکتر حسابی - گویا این لغت اصلاً همان کلمه "Tome" انگلیسی است. نفیسی - ما اگر بخواهیم سابقه لغت را هم رعایت کنیم، در قدیم «ستور پزشک» داشته‌ایم ولی «دام‌پزشک» نیامده است.  
 رئیس - از این نظر که می‌گیریم هر دو لغت آمده ولی در این جا یک اشکال اخلاقی است که

به یک نفر بگوییم «ستورپزشک».

فروغی - در کمیسیون بین «دام» و «ستور» تردید بود. بنده تصور می‌کنم آنچه سابقه داشته اصل است و یک نکته که بنده در نظر دارم این است که این‌گونه ترکیبات بیشتر بصورت جمع استعمال شود و اگر بگوییم «ستوران پزشک» آن ایهام هم از بین می‌رود.

سمیعی - این دو کلمه از ذهن دور است، بهتر است کلمه مناسب‌تری انتخاب کنیم.

رئیس - از حیث برخوردن لفظ «بیطار» هم ممکن است به اشخاصی برخورد.

دکتر شفق - یعنی کلمات دیگر هم هست مثل «جانورپزشک».

رئیس - بنظر بنده اگر از این حیث بگیریم «دام‌پزشک» بیشتر در پرده است.

سرتیپ نخجوان - هر لغتی که اختیار کنیم همین اشکال در نظر است و امروز هم به بیطار دکتر می‌گوییم.

رئیس - چون کلمه «ستور» استعمال شده اول رأی به «ستوران پزشک» می‌گیریم (اکثریت حاصل نیست) پس رأی به «دام‌پزشک» می‌گیریم - (در این لغت اکثریت حاصل است) «دام‌پزشک» بجای «بیطار» تصویب می‌شود.<sup>۲۴</sup> جلسه ۲۸ دی ۱۳۱۴

فرهنگستان تا شهریور سال ۱۳۲۰ ه. ش بطور فعال بکار واژه‌سازی ادامه می‌داد و نزدیک ۱۵۰۰ واژه فارسی را جایگزین واژه‌های نامتناسب و بیگانه کرد.

فرهنگستان در راه دیگر هدفهایش نیز کوششهایی کرد و در چند مورد، مقدمات تحقیق و پژوهش را فراهم آورد ولی تغییر بنیادی رؤسای فرهنگستان، رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ ه. ش. عدم تأمین اعتبارات مالی و خلق واژگان نامأنوس، مانع آن شد که فرهنگستان به هدفهای خود دست یابد.

#### رؤسای فرهنگستان از ۱۳۱۴-۱۳۲۰

۱ - محمدعلی فروغی از اردیبهشت تا مهرماه ۱۳۱۴.

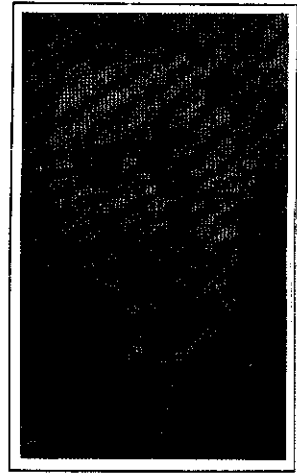
۲ - حسین سمیعی (نایب رئیس از مهرماه ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵).

۳ - حسن وثوق (وثوق الدوله) از اردیبهشت ۱۳۱۵ - ۱۳۱۷.

۴ - علی اصغر حکمت از اردیبهشت ۱۳۱۷ - شهریور ۱۳۱۹.

۵ - اسماعیل مرآت از آبان ۱۳۱۷ تا شهریورماه ۱۳۲۰ رئیس فرهنگستان و سازمان پرورش افکار.<sup>۲۶</sup>

«سرانجام بعد از حادثه شهریور ۱۳۲۰ ه. ش، وزیر فرهنگ وقت (گویا، دکتر عیسی صدیق) بی‌اعتباری بسیاری از مصوبات فرهنگستان را اعلام کرد و نویسندگان را در استعمال آنها مخیر ساخت. فرهنگستان هم از لغت‌سازی دست بازداشت و دوره‌ای نو آغاز کرد؛ بدین معنی با خواندن و به خواهش حسین سمیعی (ادیب السلطنه) که در این هنگام ریاست فرهنگستان را داشت، عده‌ای از شاعران، نویسندگان و اهل فضل همه هفته در فرهنگستان اجتماع و در فنون ادب بحث می‌کردند. این انجمن ادبی چند گاهی از رونق و گرمی خاصی برخوردار بود، اما پس از مدتی بی‌اینکه خدمتی مفید بنماید تعطیل شد و از آن پس نام فرهنگستان ایران که عباس اقبال بدان صفت «ملعون» داده بود یکباره از زبانها افتاد. پس از آن کوششهایی به جهت افتتاح دوباره آن به عمل آمد که ثمری نبخشید.»<sup>۲۷</sup>



### اسماعیل مرآت

تا اینکه بالاخره «فرهنگستان زبان ایران» با بیش از بیست سال وقفه و رکود در آبان سال ۱۳۴۹ شمسی بار دیگر فعالیت خود را آغاز نمود.<sup>۲۸</sup>

### \* پانویس ها:

- ۱ - مجله نشر دانش «فرهنگستان و مسأله واژه‌های بیگانه، نصرالله پورجوادی / احمد سمیعی، سال سیزدهم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۷۲، ص ۲.
- ۲ - فرهنگ معین نیز فرهنگستان (ترکیب یافته از سه جزء، فر - هنگ - ستان که از فرس هخامنشی به ما رسیده است) را معادل آکادمی *Acapul-ja ka Pulkō* فرانسه و *Akaderos* یونانی دانسته است. آکادمی باغی بود در آتن (اثینه) پایتخت یونان قدیم، که در آن افلاطون به شاگردان خود فلسفه درس می‌داد و بعدها این اسم به انجمن‌های دانشمندان و ادیبان اطلاق گردید، بنابراین فرهنگستان (*Farhangestan*)

- پهلوی) به مکتب، مدرسه و انجمن عالی ادیبان و نویسندگان و دانشمندان را گویند که در آن به پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یا رد لغات خارجی و جمع‌آوری لغات واحد مبادرت می‌ورزند.
- محمد، معین فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۴، ج ۲، ص ۲۵۳۹.
- ۳ - نامه فرهنگستان، «تاریخی از فرهنگستان ایران»، مدیر رشید یاسمی، سال اول، تهران، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۱، ص ۶ و ۷.
- ۴ - همان، ص ۱۰ - ۱۲.
- ۵ - نامه فرهنگستان، «تاریخی دیگر از فرهنگستان» دکتر عیسی صدیق. سال اول، شماره چهارم، تهران آبان ۱۳۲۳، ص ۱ - ۳.
- ۶ - واژه‌های نو، انتشارات دبیرخانه فرهنگستان، تهران ۱۳۱۹، مقدمه.
- ۷ - سند شماره ۱، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۸ - سند شماره ۲، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۹ - سند شماره ۳، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۱۰ - [سند شماره ۴ در مورد واژگان و عبارات عربی است که از سوی فرهنگستان، بصورت تحت‌اللفظی معنا و ترجمه شده است و قریب با اتفاق این لغات در زبان و ادبیات فارسی بلحاظ صرفی و تجزیه به شکل صفت یا گروه‌های قیدی، کاربرد دارند].
- ۱۱ - سند شماره ۴، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۱۲ - نامه فرهنگستان «گفتاری در صرف و نحو»، جلال همایی، سال اول، شماره دوم، تهران، خرداد و تیر ۱۳۲۱، ص ۲۶.
- ۱۳ - همان ص ۵۸.
- ۱۴ - سند شماره ۵، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.

- ۱۵ - مجله یغما، «فرهنگستان»، سال نوزدهم، شماره دهم، تهران، بهمن ۱۳۴۵.
- ۱۶ - سند شماره ۶، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۱۷ - واژه‌های نو، انتشارات دبیرخانه فرهنگستان، تهران ۱۳۱۹، ص ۷۲.
- ۱۸ - همان صص، ۱۴ و ۳۶.
- ۱۹ - همان صص ۳۳ و ۴۰.
- ۲۰ - همان ص ۸۱.
- ۲۱ - سند شماره ۷، کد فرهنگستان، شماره تنظیم ۱۰۸۰۰۴.
- ۲۲ - سند شماره ۸، کد نخست‌وزیری، شماره تنظیم ۷۳ - ۱۳۲۹.
- ۲۳ - صفایی، ابراهیم، «رضاشاه و تحولات فرهنگی ایران»، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، [تهران، ۱۳۵۶]. صص، ۹۳ و ۹۴.
- ۲۴ - مجله یغما، شماره ۲ و ۳، سال دوم، تهران، اردیبهشت ۱۳۲۸، ص ۶۴.
- ۲۵ - به علت اینکه نام رجال سیاسی و فرهنگی بسیاری در این مقاله به کار رفته است، برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر شرح حال تک‌تک آنان معذوریم، جهت اطلاع بیشتر از سرگذشت رؤسای فرهنگستان، ر. ک، گنجینه اسناد، «نمونه امضای اعضای هیأت دولت ۱۲۹۹-۱۳۲۰ ه. ش. علی کریمیان، سال سوم، دفتر دوم، تابستان و پاییز ۷۲.
- ۲۶ - یکی از سازمانهایی که از نظر راهنمای افکار تا حدی با مفهوم ماده نهم اساسنامه فرهنگستان نزدیکی داشت. «سازمان پرورش افکار بود». با این تفاوت که ماده نهم اساسنامه فرهنگستان، هدایت افکار را به شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی رهنمون شود. صفایی، ابراهیم، همان، ص ۹۶.
- ۲۷ - مجله یغما، همان، سال نوزدهم، شماره دهم، تهران، بهمن ۱۳۴۵.
- ۲۸ - فرهنگ معین، همان، ج ۲، ص ۱۳۵۶.



حسین سبیمی



وثوق الدوله



محمد علی فروغی (ذکاء الملک)



رت داخله

متحد المال

وزارت داخله

در روز یکشنبه ۱۳۱۶/۰۸/۱۴  
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سند شماره ۱

تاریخ: ماه .....

نومبر: .....

نظر باینکه یکی از آداب ناپسند سابق که ناشی از بیکاری و تقید بالفاظ و عبارات بدون توجه بمعانی بوده استعمال عناوین و القاب و تعارفات دور و دراز و بی تناسب است که هر چند این اواخر يك اندازه اصلاح شده بود لیکن هنوز با مقتضیات این زمان موافق نبود که اوقات بجای اینکه بلفاظی و عبارت پردازی و تعارفات بی معنی تزیین شود باید مصرف عمل و کار مفید با معنی کرد بنا بر این اراده مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر این قرار گرفت که این اصلاح نیز صورت وقوع یابد و در ضمن نظامنامه که برای دستور تشریفات و آداب رسمی دولتی تهیه شده دستخط همایونی مبنی بر ساده و مختصر کردن القاب و عناوین صادر گردیده.

نظامنامه تشریفات تحت طبع است و باطلاع اشخاصیکه مکلف بر عایت آنها میباشند خواهد رسید ولیکن آن قسمت از نظامنامه مزبور که راجع بالقاب و عناوین است مربوط بمعوم می باشد و علیهذا ذیلا ابلاغ میشود که باطلاع عامه رسانیده مقرر فرمائید عیناً معمول و مجری دارند و قدغن اکید نمائید که تخلف از آنرا جایز ندانسته بر آنچه در این دستخط ملوکانه مقرر گردیده در موقع تحریر و تقریر عبارات و تعارفات دیگر تیفزایند:

فصل هفتم

در عناوین

ماده اول - کلیه عناوین موجوده ملغی و بجای آنها بطریق ذیل استعمال خواهد شد:

الف:

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

شاهنشاه ایران

علیاحضرت

ملکه ایران

والاحضرت همایونی

ولیعهد ایران

والاحضرت

شاهپورها و شاهدختها

ب:

رئیس الوزراء . رئیس مجلس شورای ملی . وزراء . سفرا کبار . ولات . وزرای مختار کفیل های وزارتخانهها  
رؤسای ادارات مستقل و معاونین وزارتخانهها . جناب - و در موقع خطاب جنابعالی .

اداره ..... گماهی



وزارت داخله

دایره .....

اداره کل شهربانی

موضوع .....

تاریخ: ۱۳۰۲/۷/۵

نمبره: ۸۱۳۸  
۵۹۱۲  
صمیمه

پاسد درزا

چونکه در دفترخانه؟ و در دفترچه هم برای بوج درجه اول  
میدهند بجای کلمه عهدن ( کلمه گماهی ) استعمال میشود چون  
در ضمن لغات جدید که فرستادن وضع نموده کلمه گماهی  
جدید تا اینست در دفترچه تعیین شده است  
در فرزند بکلیه در دفترخانه؟ و در دفترچه هم  
کلمه گماهی با اولی خود در فرزند - پس در دفترچه  
تعیین شده است

پرتال جامع علوم انسانی

وزارت معارف

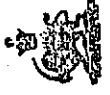
۱۳۰۲

۱۵/۷/۱۴  
۹۰۰۵

۱۵۷۱۴

X

تاریخ: ۱۳۱۶ / ۱۱ / ۱۸  
شماره: ۷۲۵



بخش نامه دبیران و دستیاران وزارت  
تعلیم

نوری  
وزارت پست و تلگراف و تلفن

از تزاریکم از طرف دفتر مخصوص شاهنشاهی اعتراض شده است  
در مسائرت اخیر موب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی  
در لایات مشاهده نموده اند که مامورین و موسسات و تجارتخانه ها  
اصطلاحات و لغات جدید که بر طبق قوانین مصوب و تصویب  
فرهنگستان باید استعمال نمیکند رباب تطبیق و تعدی صورتگی  
بجای اصطلاحات و لغات قدیم دارند اینک تذکر میشود چنانچه  
در ضمن بخش نامه شماره ( ۱۴۲۷۰ ) ۱۲ / ۸ / ۱۵ اطلاع  
داده شده است استعمال اصطلاحات و لغات جدید اجباری  
و یکی از وظائف عموم مامورین است مقرر اینست مامورین خود در روز  
و لایات اکیدا دستور دهند که در رعایت این نکته دقت نمایند  
و الا متخلف محسوب خواهند شد .

رضی الوزرا

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۱۸

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵  
شماره: ۴۶۹

سب اسرار حاج محبت هارن خان کریم خان

وزیران کمالی حضرت عالی

بلای تقصیر امدان کعبه در این شهر

صانع امرا و مملکت وزان و دولت و ملت

بهر ما حکایت فرزند فریاد و شکر و شکر

داناته کردن و ملت شکر که ملت

مرکزیت و مامورین و وزارت و دولت

این جملات شکر را در کتب و کتاب

تعمیر و مامورین و دولت و ملت

دفع امرا و مملکت و دولت و ملت

ملک و ملت و مامورین و دولت

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵  
شماره: ۴۶۹

تاریخ: ۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵  
شماره: ۴۶۹

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۳۱۶ / ۱۱ / ۲۵



ل-۱۰

تاریخ ۲۷/۸/۱۳۱۹  
نمره ۵۴۸۲  
شعبه آموزش عالی  
۲۸۲۸۴



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره انطباعات

دائرة

مقام ریاست وزراء

با تقدیم رونوشت نامه نمره ۲۰۷-۳/۷/۱۶ فرهنگستان ایران راجع به لغات و اصطلاحاتی که به لحاظ از طرف اشخاص و مؤسسات بدون تصویب فرهنگستان استعمال میگردد معروض میدارد بداوریکه در نامه فرهنگستان اشاره شده این وضعیت موجب هرج و مرج و شیوع اغلاط در زبان فارسی میشود و حسن شهرت فرهنگستان را که یکی از مؤسسات خوب این عصر همایون است لکه دار میسازد خاصه که در این باب کزارا از پیشگاه مبارک ملوکانه اوامری نیز صادر شده است که در وضع لغات که از مختصات فرهنگستان است دیگران مداخله نمایند بنا براین مستدعی است مقرر فرمایند اولاً دستور لازم بجهت کلیه وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی صادر نمایند که بدون تصویب فرهنگستان هیچ لغتی را انتخاب و استعمال نمایند و در تمام امور مربوط به لغت و زبان فرهنگستان را مرجع قانونی بشناسند ثانیاً با ادارات چراند بالخصوص ابلاغ شود در نوشته ها و مقالات و آگهی ها فقط لغات تصویب شده از طرف فرهنگستان و لغتهای جاری و معمولی سابق را بکار برند تا اینکه خوانندگان بفرمایند تصور نکنند که آن لغات غلط نیز مصوب فرهنگستان است و در صورت تخلف از نویسندگان و مسئولین روزنامه ها مواخذه بعمل آید وزیر معارف و اوقاف

وزیر معارف و اوقاف

مطالعات  
۱۸۷۷۱۲  
روزه ۱۳۱۹

۱- شمس در دردت نه در علم در...  
۲- بر همه ساقه شهر دره در...  
۳- ...  
۱۶/۷/۱۹

۱۶/۷/۱۹